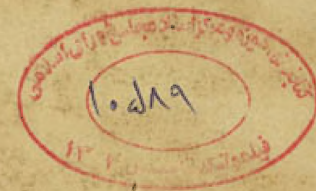


۲۳

۱۹-۴۴



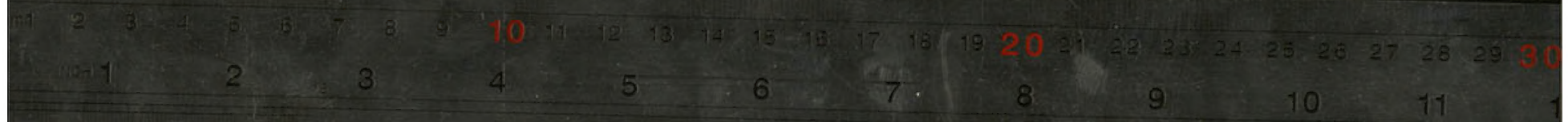
بازدید شد  
۱۳۸۴

۲-۱  
بازدید شد

۱۰۴۴۸ خ

کتابخانه مجلس شورای ملی		
کتاب محقر الملوک		
مؤلف	شماره ثبت کتاب	
موضوع		۸۶۸۸۷
موضوع: خد عارف دین آقاخان اردلان		
دارای کتب و لوح	شماره قفسه	
۱۰۵۸۹	۱۰۵۸۹	

خطی، فهرست شده  
۱۰۵۸۹









بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد  
 وآله اجمعين **باب** این کتاب مشتمل است بر آنکه  
 حکما از کتب قدما اختیار کرده اند و فوائد بسیار در ضمن  
 سر حرفی مرقوم معلوم میشود و از سر زمرگی کنشی  
 و از سر اشارتی بشارتی میباشد و است یقین که چون تمسک

از جمله از این چند پسندیده مندرج میشود و متصف با  
 پسندیده و احسان حمیده که شعار از باب دین و دولت  
 و دثار از باب ملک و دولتست کرد و امیدوار  
 که بعبادت و دجانی و دولت جا و دایمی  
 و اصل کرد و دین رساله مستی است تبحر الملوك  
 و مبولست بچهل باب و هر باب چهار ضحی و بانه التوفیق  
**باب اول** در آنکه چهار چهره پادشاهی را نگاه دارد  
 رعایت و محافظت دین و زراعت با مکتب که دانش  
 و خرم **باب دوم** در آنکه چهار چهره پادشاهی را نگاه دارد



بچار چنر پادشاهی توان کرد و آلا بعدل و سمن  
هلاک توان کرد و آلا بدستی محبت توان فرست  
آلا تواضع برادر توان رسید آلا بصیرت  
در آنکه چهار چنر را از چهار چرخ چاره نیست پادشاهی  
را از سیاست وزیر را از امانت لشکر را از پر  
رعیت را از رعایت باب چهارم در آنکه چهار چرخ را  
بچار چرخ حاجت سلطان را بوزیران باصلاح  
ولیان را باصلاح اسب را با زینان شیخ را بقبضه  
باب پنجم در آنکه چهار چنر را آورد باید خست

دوست بدست آوردن با همه کس نیکویی کردن در  
آبادانی نیکو شدن بر خلق خدای بخشیدن  
در آنکه چهار چنر نباید کرد و ماتحت نباشد  
رجوع کار با نباشد ایان نیکویی با انکسان در  
کار با تعقل فق و فجور و عصیان باب ششم در آنکه  
چهار چنر بر همه کس نیکوست عدالت و راستی داد  
و عقول و حلم و خرد و صبر و تحمل جای و شرم باب هفتم  
در آنکه چهار چنر بر همه خلق زیانست خد و چید  
بر مردم کبر و نخوت خشم و غضب کسالت و بی کاری



باب اول در آنکه چهار خیر یافت سلطان است

غفلت امیران حیانت وزیران کتمان خیانت

چند نظیران باب دوم در آنکه با که مدارا باید کرد با

سلطان شکر کار با مردم بیمار با طایفه نه شیار با

یار نیکو کار باب سوم در آنکه چهار خیر موجب ثبات

سلطنت است عدالت و شجاعت مروت و قوت

و سخاوت و عطیت مرحمت و شفقت باب چهارم

در آنکه چهار خیر موجب پنجهی است اصل پاک دل پاک

و نیت پاک راسی مستقیم و طبع سلیم باب پنجم در آنکه چهار

موجب جمعیت است امن استقامت نعمت فرا

باب چهارم در آنکه چهار خیر اصل دولتت می رود

تایید آسمانی امام برگزیده احکام پسندیده

باب پنجم در آنکه چهار خیر نشان بدبختی است

کای بی جای بی ناکس بی کس بی کس

باب ششم در آنکه چهار خیر سبب شادمانی است

نواخت سلطان و عای زاهدان ششای بزرگان

و دیدن دوستان باب هفتم در آنکه چهار خیر

که بدان مغرور نباید شد تقرب سلطان نه بدستان



بصیحت حاسدان و دوستی زنان باب سیم  
در آنکه رعایت چهار خیر بر همه کس شرط است عت  
بصیحت شفقت امانت باب نهم در آنکه چهار خیر  
کار بهار تمام کند پوستن بازرگان لشکر در واپس  
تدبیر را پستان حدیث و دوستان باب سیم  
در آنکه چهار خیر دلیل امانی است خوشتن منی و تکر  
عیب دیگران بستن چنلی کردن از سینه امیدوار  
باب سیم و یکم در آنکه چهار خیر دلیل سعادت  
عهد در پست تواضع در همه حال سعی در کسب

حلال نیک داشتن راز باب سیم و دوم در آنکه چهار  
دلیل شقاوت است صحبت داشتن با جاهلان دوست  
کردن با بدان بصیحت شنیدن از فضولان عمل کردن  
بقول زنان باب سیم و دوم در آنکه از چهار خیر  
احترار باید کرد از شراب و قمار و خشم و غضب از  
نخل و امساک از عجب و تکبر باب سیم و چهارم در آنکه  
چهار خیر موجب فلاکت است خفت و غبت کردن  
چید و فاحش نمودن تکبر و نخوت طمع و شهوت  
باب سیم و پنجم در آنکه چهار خیر موجب رفعت



کتابخانه شورای عالی  
تاسیس ۱۳۰۲  
کتاب: ۱۳۰۲  
نسخه: ۱۳۰۲

کتابخانه شورای عالی  
تاسیس ۱۳۰۲  
کتاب: ۱۳۰۲  
نسخه: ۱۳۰۲

و شروقت باد و ستان مروت باد و شتمان باد  
رنگ سواد آرزو با محمل و صبر و قضایا  
در آنکه چهار خیر را تغییر ممکن نیست کرد این قضایا  
و تدبیر را باطل کردن حق را سبک کردن بدخوار  
خشنود کردن خلق را باب بیست و نهم در آنکه چهار  
ضرر نماید و بزرگست دشمن آتش بیماری و آتش  
باب بیست و ششم در آنکه چهار خیر پادشاهی را  
خلل دارد ظلم امیر غفلت وزیر خیانت و پیر  
خواری بر اسیر و فقیر باب بیست و دهم در آنکه چهار خیر را

بنا

بنا بنود حاکم ظالم را و سپهر خرد را مال حرام را  
کردش ایام را باب سی و ام در آنکه چهار خیر عاقبت  
چهار خیرست عاقبت لجاج رسوائی عاقبت پشیمانی  
عاقبت بدگونی دشمنی عاقبت کابلی حواری  
باب سی و یکم در آنکه چهار خیر چهار خیر تمام شود  
و آتش تعقل طاعت بوع عمل اصدق نعمت لست  
باب سی و دوم در آنکه چهار خیر چهار خیر آورد  
خاموشی راحت فضولی ملالت سنجاقوت مهری  
لست از سر وونی باب سی و سوم در آنکه چهار خیر شخص را



ضعیف کند دشمن سپار قرض سپار زن سپا  
عیال مع قله المال باب سی و دوم در آنکه چهار چرخ  
چهار چرخ را بر دانا سپاسی نعمت را پیدا وقت  
کسالت دولت را بکجمر موت را باب سی و پنجم  
در آنکه چهار چرخ را باز توان آوردن سخن گفت را  
تیر انداختن را عمر کند شسته را هضای رفته را  
باب سی و ششم در آنکه چهار چرخ را چهار چرخ را  
لازمیت سوال کردن خواری یافتن عاقبت  
نیز شنیدن پشیمانی دیدن نزل سپار کردن

سبکپاری یافتن با سلاطین و سیر می کردن هلاک  
شدن باب سی و هفتم در آنکه چهار چرخ را دلیل  
نادانیت بنا از موده پستماخی کردن از زمان  
چشم و فاداشتن از انبها انین بودن واعتماد  
کردن با کودکان صحبت داشتن باب سی و هشتم  
در آنکه از چهار چرخ نقصان عمر و بیم مرگیت بسیر  
مجاوبت کردن بسیری کر مابه رفتن و عبار میوه  
و فدی خام خوردن بازمان پر صحبت داشتن  
باب سی و نهم در آنکه چهار چرخ را کس را باشد





در ونگو را مروت بخیل را سعادت حو و را راحت

بدخوی را مهربانی **باب چهارم** در آنکه چهار چهره فصل

سعادت دو جهانی و مرادات جاودانی است

فرمان برداری خدا و رسول خدا خشنود و داشتن

مادر و پدر را خدمت کردن علما و حکما را شفقت

نمودن بر خلق خدا و تعالی تو شوق رفیق یکنمان باد

بالتسبی و آله الامجاد

خانه رز و دولت ابدیت قاسم سلطنت علی رضا ابن اقا خانی



